

در عرب شخصی دعوی بنوبت میکند و جمعی متابعت وی کرده اند بعضی
 مخالف اند و میان ایشان قبل بسیار واقع شده سرقل گفت میرا بگو
 برید و به پیشند که مخنون است یا می دیدند مخنون بود پس انحال عرب
 بر رسید گفت همه مخنون اند سرقل گفت و اند ایسان آن چنانند که
 پس نموده اند که ظهور خواهند کرد بعد از آن سرقل اصحاب محمد که در روم
 بود و در علم نجوم با هر کسائی نوشتند و از احکام نجومی استعلام کردند
 بطرف حمص روان شدند چون بحمص رسید کتاب صاحب های اود
 مشتمل بر آن گرفت ظهور سلطنت نبی عربی است **و از این روایت**
 که بعد از آن سرقل منادی فرمود که عظمای روم در کشاده برین معابدی
 که داشتند جمع شوند چون جمع شدند فرمود تا همه در مارا ابراستند
 با ایشان خطاب کرد که ای معشر روم صلاح و سداد و فلاح و رشاد
 خویش را بخواهید بود ام دولت و ثبات سلطنت خود را بطلبید
 آری ای ملک چون اطلبیدم گفت بیاید با ما این نبی متابعت کنیم و بدان
 اور متابعت نماید چون این را شنیدند چون خبر خوشی همه بر میدادند
 و بسوی او در ما نشاندند چون در مارا ابراستند یافتند آغاز فلان

و اضطراب کردند چون سرقل کمال نفرت ایشان را دید ایشان را از
 طلبید و گفت مقصود من ازین سخن امتحان شما بود که بینم که
 در دین خود راسته هستید یا بی عمه از وی راستی گشتند و سجده کردند
و از این روایت که در بعضی روایات آمده است که چون میان قل
 و ابوسفیان آن معاللات گذشت تمام شد ابوسفیان گفت ای ملک
 اگر در حقیقت راستی از سخنان او باز گویم تا کذب وی پیش ملک
 ظاهر شود گفت آن کدام است گفت او همان میگوید که در یک
 شنب از زمین ما به بیت المقدس آمده است و پیش از صبح بار
 ابوسفیان گفته است چون این سخن گفته بطریق بیت المقدس بر
 سر او ایستاده بود فی الحال گفت من التنبی اوستم و از علما
 که در آن شنب مشاهده افتاده بود ملک را نیز اعلام کرد ام پس
 گفت ما را عبادت چنان بود که پیش از خواب بر تن که در بار
 جایستند در التنبی یک در را نمودن استم نسبت عمل اهل بیت المقدس
 حسب کردیم فرنگ آن در نمودن استم کرد چون با عبادت استم
 بسن دایه نزدیک آن در دیدیم **و از این روایت** که چون قل

و اضطراب کردند